

یادداشت و گزارش

اش. مفسر

بیخود نمی گفتم جناح هار

ماجرای حمله آخوند اژه ای رئیس دادگاه ویژه روحانیت و نماینده قوه قضائیه در هیات نظارت بر مطبوعات به عیسی سحر خیز نماینده مدیران مسئول مطبوعات در جلسه هیات نظارت بر مطبوعات و گاز گرفتن عیسی سحر خیز، یک رویداد بی مانند و ماندنی در تاریخ رژیم روضه خوانهای ددمنش است که هم به عنوان رویدادی که تصویرگر درنده خویی آخوندهای صاحب قدرت در ایران است، ماندنی است. هم تا نسلفا بعد هر کس که تاریخ این رژیم منحوس را ورق بزند حتما از خواندن این ماجرا هم خنده اش خواهد گرفت و هم برای کسانی که برای برپیده شدن دستگاه دیکتاتوری آخوندی به پا خاستند و تلاش و جانفشانی کردند، درود خواهد فرستاد. ماجرا آن گونه که در خبرها گفته شد، در بحث بر سر مطلبی از یک جامعه شناس که در ماهنامه یی به چاپ رسیده بود، پیدا شد. در آن مطلب نویسنده با بررسی روابط دختران و پسران و پیامدهای روابط پنهانی توصیه کرده بود که برای آن که روابط دختران و پسران جوان به درون خانه ها و پنهان از دید جامعه کشیده نشود، بهتر است که آزادیهایی در روابط دختران و پسران در نظر گرفته شود. بنا بر آن چه در سایت امروز در ۵ خرداد نقل شده بود، سحرخیز به دفاع از نظر این جامعه شناس می پردازد، اما اژه ای با عصبانیت عیسی سحرخیز را متهم می کند که او نیز مانند آن جامعه شناس مروج این مسائل است و حتی مشکلی ندارد اگر فرزندان هم به این کارها کشیده شوند. عیسی سحرخیز از این اتهام خشمگین می شود، و به محسنی اژه ای یادآوری می کند که او هر دو فرزندش را در سنین بسیار پایین ازدواج داده است. سحرخیز در ادامه به اژه ای می گوید اگر تو راست می گویی بیا با هم به خیابانها برویم که ببینی که مردم با من چگونه رفتاری می کنند و با تو چه رفتاری نشان خواهند داد. این اظهارات چنان اژه ای را به خشم می آورد، که قندان دم دستش را به سوی سحرخیز پرتاب می کند. این قندان به سحرخیز اصابت و او را زخمی می کند. اژه ای به این کار هم اکتفا نکرده، از جای خود بر می خیزد و با قندانی دیگر در دست به طرف او می رود و قندان را بر سرش می کوبد. سحرخیز می

کوشد با ننگ داشتن اژه ای، مانع ضربات بعدی شود، اما اژه ای دست عیسی سحرخیز را گاز می گیرد و پیراهنش را پاره می کند. پس از این جریان عیسی سحرخیز با ظاهری آشفته، ژولیده و خونین به پزشک قانونی می رود تا آثار ضرب و جرح را ثبت کند. نعمت احمدی وکیل عیسی سحر خیز در گفتگویی که سایت امروز آن را نقل کرده بود گفت: «آقای محسنی اژه ای از یک وقار و متانت خاصی برخوردارند، اما در اینجا چرا این حرکتی که خلاف شان است، از ایشان سر زده، باید آن فیلم (فیلم جلسه) را دید تا مشخص بشود. من با توجه به جایگاه شایسته و وزین ایشان می خواهم این مساله کاملا برملا بشود. این سابقه اول نیست، در گذشته هم یک بار در یکی از این جلسات هیات نظارت آقای محسنی اژه ای قندان را مجدداً به طرف آقای سحرخیز پرت کرده بودند». سوال: «حالا چرا همیشه از قندان استفاده می کنند؟ دکتر نعمت احمدی: «خب آلت قتاله یا آلت حمله و حربی در یک جلسه عمومی غیر از این چیزها نیست». نعمت احمدی، در گفتگو با بخش فارسی بی بی سی در همین زمینه گفت آقای سحرخیز را پس از جلسه با وضعیت آشفته و پیراهنش پاره دیده که روی شانه اش محل گازگرفتنی به چشم می خورد، سرش بر اثر برخورد جسم سخت زخمی شده و «بخشی از پائین تنه بدنش خراشیدگی عمیقی برداشته بوده تا آنجا که پزشک قانونی برای وی دو هفته طول درمان تعیین کرده است». سایت های اینترنتی هم عکسی از عیسی سحر خیز را که روی شانه پیش، جای دندان نیش اژه ای زخم ایجاد کرده بود منتشر کردند. اظهارات وکیل عیسی سحر خیز این گمان را به وجود می آورد که حجت الاسلام اژه ای به عنوان یکی از کارگزاران خدا در روی زمین با کوبیدن قندان به سر عیسی سحر خیز می خواسته دستیار عزرائیل باشد و جان عیسی سحرخیز را بگیرد، اما زخم پایین تنه سحر خیز این ظن را به وجود می آورد که آقای سحر خیز بدهی معوقه ای به حجت الاسلام اژه ای داشته و این زخم و خراش ناشی از اقدام حجت الاسلام اژه ای به عنوان «طلبکار» برای گرفتن طلبش بوده که شناس به یاری سحر خیز آمده و اژه ای فقط توانسته خراشی در قسمت پایین تنه سحر خیز ایجاد کند ولی نتوانسته عضو بدن او در ناحیه مربوطه را بکند و جدا کند و به جای طلبش بردارد! این اژه ای کسی است که در قتل های زنجیره ای اسمش به میان آمد.

تمدنی هنوز عقیبم. چرا ما این گونه شده ایم که وقتی جوان و میانسال ما به یک کشور دیگر می رود، زندگی و ظواهر و امور دیگر کشورها را می بیند، حیرت و فکر می کند چرا ما این گونه هستیم و آنها آن گونه؟ (سایت امروز ۲۰ خرداد). ابتدا باید گفت که در همین چند جمله که از مهاجرانی که نقل شد، جناب ایشان با همه دودوزه بازی و زرنگی، ناخود آگاه بر مبنای همان دیدگاهی موضع گرفته که دیدگاه حکومتی از اسلام است، دیدگاهی که چار چوبهای قانونی و قضایی بسیار تبعیض آمیز در مورد حقوق شهروندان را تشکیل می دهد، یعنی بحث بر سر هویت را ناخود آگاه چنان با اسلام تبعیض گرایانه آمیخته که فراموش کرده ایرانیان مسیحی ایرانیان یهودی و ایرانی زردشتی هم وجود دارند. از اینها گذشته در مبارزه با عقب ماندگی و بی عدالتی و دیکتاتوری، ایرانیان «بی دین و مرتد و فطری» نقشی بسیار بزرگ و تاریخی داشته اند که سیمای تابناک و اسطوره ای جزئی ها و پویان ها و احمد زاده ها، دهقانی ها و پاک نژادها معرف آن هستند. مهاجرانی که می خواهد خودش را بسیار آدم واقع گرا و منصفی به نسل جوان معرفی کند، کی و چقدر در دوره وزارتش تلاش کرد راه معرفی و آشنایی نسل جوان را با واقعیت مبارزات قهرمانانه مبارزان غیر مذهبی با رژیم دست نشانده شاه را، با برداشتن سد سانسور در این زمینه هموار کند؟

این که هویت ایرانی را نمی شود از هویت دینی جدا کرد حرف مفتی است که از آغاز منادانش با اهداف سیاسی انحصار طلبانه آنرا بیان کردند. مثل آن آقای از پیروان و همراهان خمینی که می گفت «ایرانبیت بدون اسلامیت معنا ندارد» بعد هم رئیس جمهور شد و سپهسالار حمله به دانشگاه برای «انقلاب فرهنگی». ایرانیان قبل از اینکه اسلام به ضرب شمشیر و گردن زدن و زبان بریدن به آنان هدیه شود، در طول قرنها وجود داشته اند. اگر حافظ به رغم ممنوعیت موسیقی در اسلام و برچیده شدن «بساط طاغوتی ساسانی» توسط «سپاه اسلام»، می گوید:

«مغنی نوایی به گلبنک رود

بگوی و بز ن خسروانی سرود

روان بزرگان ز خود شاد کن

ز پرویز و از باربد یاد کن»، در واقع او آگاهانه بر هویت ایرانی خود که که

بقیه در صفحه ۱۶

نسل جوان و اسلام حکومتی

عطالله مهاجرانی وزیر پیشین ارشاد اسلامی رژیم در «همایش جوان و هویت ملی» در یزد ضمن سخنانی گفته است که «وقتی بخواهیم به عنوان یک جوان و یک ایرانی بدانیم هویت ما چیست، باید بگوییم که هویت ایرانی را در این مقطع نمی توان از هویت دینی جدا کرد، باید نقطه تعادل را حفظ کنیم. به جای این که دعوا کنیم که ایرانی مسلمان هستیم یا مسلمان ایرانی فکر کنیم که چرا اینقدر عقب هستیم؟ چرا ما با این پشتوانه‌ی عظیم فرهنگی و